

قایق خود را بشهر رسانیده نامزد خود را دیدار کرد و بوسه از وی ربوده در همانشب بکشتی برگشت. نامزد بیچاره فردا گرفتار طاعون و شهید بوسه گردید و انگاه طاعون در شهر منتشر و از هزار و پانصد نفر ساکنه يك شهر كوچك دویت نفر قربانی راه بوسه شدند.

بوسه واسطه انتقال بسیاری از امراض است خصوصاً امراض جدیده ویشه اگر در لبها قرچه و شکافی باشد،

بوسه گاهی مابین دو نفر تندرست هم باعث انتقال مرض میشود و فرض این قضیه چنانست که یکی از آنان بسبب معاشرت با مبتلایان بمرض معده حامل میکروبیست ولی میکروب در خودش مؤثر نیست بسبب قوت وی یا ضعف میکروب یا آنکه قبلاً مبتلا بوده و بدین سبب میکروب دواو تاثیر ندارد، ولی هرگاه دیگریرا که دارای این موانع نیست بپوسد فی الفور مکرروب محل مناسب یافته و شروع به توالد و تناسل و ایجاد مرض میکند.

دلیل بر این مطلب آنست که میکروب شناسان بسیار شده است که میکروب ذات الریه را در دهان شخص سالم و میکروب دیفتیری را در گلوئی آدم تندرست یافته اند نتیجه این مقدمات آنست که هر اس محبت و دوستی خود را بوسیله بوسه ابراز میکند پدر باشد یا مادر یا دوست یا عاشق بالاترین دشمنی و سحت تر خصومت را در حق محبوب خود روا داشته و بوسیله بوسه پیک مرگرا بسوی محبوب فرستاده و با جان جانانه ببازی خطرناک اشتغال ورزیده است.

فقدان بزرگ

سید جلال الدین مؤید مدیر جبل المتین ۲۴ آذر ۳۰۹ ساعت هشت صبح فوت کرد - این فقدان بزرگ هر ایرانی حساس را تکان میدهد و شخص را مناسف ميسازد زیرا که وجود فقید خیلی پر بها بود، مرحوم مؤید

از یکشنبه ۱۶ آذر به دل درد سخت مبتلا گردید و آثار ضعف قلب بروز داد و مرض او شدت کرد و روز نهم بیماری دنیا را وداع گفت .
 جنازه او ساعت یازده از خانه اش بیرون آمده فاصله کمی سر دوش و سپس روی کالسکه شخصی اش به گارد نریچ دو فرسخی شهر کلکته برده شد . عده از ایرانیان در اتومبیل و کالسکه جنازه را تشییع نمودند و ساعت سه بعد از ظهر جسد فقید را غسل دادند و ساعت شش نماز میت خوانده شد و یکساعت بعد بخاک ، رفت فقید وصیت کرده بود که جسدش را به ایران ببرند و اکنون در صندوق مخصوص بطور دخمه سپرده شده است که بعدها به ایران نقل داده شود .

در مسجد ایرانیان کلکته روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ آذر مجلس فاتحه دائر گردیده و تمام ایرانیان و مسلمانان این شهر از این فقدان اظهار تاسف و تالم کردند . میتوان گفت فقید در غربت مرد - زن و دختر دوش خانم فرخ سلطان و دو بیچۀ کوچکش بالای سر او بودند فقید او آخر عمرش آرزوی رفتن بایران را داشت و شاید دلش بخواست دو کاشان پیش خواهر و برادر زاده ها و خویشانش بمیرد . خبر فوت او به اطراف و به برادر زاده اش اقامیرسیدعلی متینی وکیل مرکزی جبل المتین در طهران تلگراف شد .

جبل المتین

بدیهی است با فوت مؤید روزنامه جبل المتین که تازه وارد سال سی و نهم شده بود خوابید و این امر البته موجب تاسف است فقید در ایام بیماری پیش از یکبار به جناب اقامیرزا احمد تاجر اصفهانی و قونسول افتخاری ایران در کلکته که نهایت همراهی را در بیماری نمودند اظهار داشت که نکذاوند روزنامه بعد او بخوابد . جبل المتین را جاری دارند که بیچۀ هایش از آن نان بخورند . شماره سه و چهار سال سی و نهم برای هندوستان و عراق و

اروپا بست شده بود و نمره های مشترکین ایران بر زمین بود تمبر و بست شود از شماره بعد هر چند صفحه حروف چین شده بود که چرخ اداره جبل المتین از گردش افتاد . امید است این جریده کهن از جریان نبفتد و زحمات چهل ساله مرحوم مؤید در آینده نیز نتیجه بدهد .

اداره روزنامه جبل المتین در کلانته تشکیل میشد از مدیر مرحوم مؤید و سه منشی و دو کارکن و پنج حروف چین و دو نفر چاپچی سه اطاق و چهار میز حروف و یک ماشین دست که مال خود فقید بود - محاسبات روزنامه و کارکنان اداره دفتر جداگانه داشته است و اکنون مقدار عمده وجوه از مشترکین ایران در محل و انشاء الله رسیدنی است .

هر شماره جبل المتین دو هزار و پانصد نمره چاپ میشد که نصف بیشتر آن بایران میرفته است . خوانندگان جبل المتین در ایران بیشتر در جنوب در شمال و مرکز و شمال غرب نسبت به جبل المتین را کمتر میخوانند . وضعیت مالی جبل المتین تا زمان جنک خوب بوده است در ایام جنک برای چند سال این روزنامه چاپ نمیشد و بعد که منتشر گردید مانند پیش نشد و این اواخر زیادتی مخارج و کمی عایدات روزنامه فشار به دماغ مدیر آن وارد میکرد .

زندگانی مرحوم مؤید

فقید هم تا زمان جنک و انقلابات ایران بهتر زندگانی میکرد . چند سال اخیر از کمی عایدات در زحمت بود . یکی از صفات عالیّه او برد باری بود که قابل ستایش است ، دیده میشد در حالی که سخت زیر فشار اقتصادی بود پروا نکرده با انرژی که داشت کار را از پیش میبرد و حتی الامکان نمی گذارد روزنامه زمین بخورد - دیر بیرون آمدن روزنامه و دو شماره یکی شدن آن که اغلب اتفاق میافتاد شاهد مدعا است .

این يك نکته را باید گفت که مرحوم مؤید با آن کله سیاسی وقلم توانائی که داشت اداره زندگانی شخصی را درست نمیکرد . در تعقیب هراج شدن خانه ملکی اش در عدلیه و رسیدن آن به يك نفر سالیستر بنگالی که خانه را درگرو داشته بود فقید در شش سال قبل اقامه دعوا کرد و مبالغ هنگفت در اینراه خرج نمود و آخر در حیانش تصفیه نشد . خداوند وجود آقای داور وزیر عدلیه را سلامت بدارد . در محاکم عدلیه این مملکت دعاوی داشتن خانمان سوختن و برای پاوه اشخاص يك گونه قمار است . غرض اینکه این مرافعه و چند تایی دیگر امور زندگانی مرحوم مؤید را مختل کرده بود .

فقید از خودش توجه نمیکرد - غذای درست و مرتب نمی خورد اگر از او متوجه میشدند و مشکلات و مصائب زیاد از هر طرف باو فشار میاورد با - اختلمان جسمانی محکم و صحت خوبی که فقید داشت بیش از این عمر می کرد -

باز مالدستان او

فقید در کلکته متاهل شد و از زن اول بچه پیدا نکرد - از زن دوم خود که از مسلمانان این جا میباشد پنج دختر و يك پسر پیدا کرد . پسرش جمال اقا سیزده ساله است که تحصیلات در انکلیس کرده است و فقید در زمان حیات در باره او می گفت جمال مؤید نمیشود اخیرا بفکر افتاده بود که جمال اقا را دورشته کسب و تجاوزت داخل کند و در روز های بیماری اظهار نگرانی برای آتیه پسرش می کرد و سفارش نمود که پس از او از جمال اقا توجه کنند - دختر کوچک او کمال خانم هشت ساله از يك چشم عدیل است فقید میل داشت دخترانش را به برادر زاده هایش یا بخودمائی ها بدهد ولی موفق نشد دختر بزرگش خانم بیگم سلطان زن يك مسلمان هندی است که در مدارس شغل قضاوت دارد دختر دومش خانم فرخ سلطان و دختر سومش خانم خاور سلطان دو سال پیش شوهر کردند و دختر چهارم او قمر سلطان در خانه است - خانم فرخ سلطان چند سال دیر ثانی جیل المتین بود و محبت زیاد با پدرش داشت -

فقید سعید ورکن رکن سیاست



و آزادی ایران - جلال الدین مؤید الاسلام

خاتمه

مؤید يك مرد سیاسی و روزنامه نویس بلند رتبه بود و نام او در تاریخ در زمره نویسندگان بزرگ و خادمان وطن باتکریم درج خواهد شد. مقالاتی که فقید در حبل المتین مینوشت متین و پیشنهاداتی که برای عمران ایران می کرد همه خوب و عملی بود. معایب امور و اعمال درباریان ایران را چون در خارجه بود می توانست در روز نامه شرح بدهد و از این جهت حبل المتین مورد توجه روشن فکران ایران بود.

جسد فقید بموجب وصیت او به ایران نقل داده خواهد شد و البته مقبره اش در خاک مقدس ساخته خواهد شد. شایسته است یادگار او اسم يك از بلوك یا يك خیابان کاشان که مولد او میباشد بنام فقید گذاشته شود

ادرس ۳۰۹ ظلیکته
نورالله ابرائپرست

دانشمندان آذربایجان بقلم میرزا محمد علی خان تربیت

* (بهمنیار) *

بهمنیار - ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان کاتب آذربایجانی از پیروان فلسفه معلم اول و از فحول تلامذه ابوعلی بن سیناء بوده سی سال بعد از فوت انحکیم دانشمند در سنه ۴۵۸ رحلت فرموده است
مولانا بهمنیار بتقد و بحث غوامض حکمت میل زیادی داشته و اکثر اوقات خود را بکشف و حل مسائل فلسفه صرف مینموده و همیشه سئوالات و مباحثاتی فیما بین ان دو فرزانه بزرگوار بعمل آمده و ابو علی بنظریات وی جواب میداده است. صاحب طبقات الاطباء در میان فهرست تالیفات ابو علی کتابی ذکر نموده که عنوان آن این است « المباحثات بسئوال تلیمذه ابی الحسن بهمنیار بن المرزبان و جوابه له » و در میان قسمت عربی کتابخانه برلن رساله از تالیفات ابو علی خطاب به بهمنیار موجود و در مقدمه چنین گوید « وصل کتاب